

# نقدی بر «تجوید در ترازوی نقد»

۰ محبی غلامی

انتشار مقاله‌ای با عنوان «تجوید در ترازوی نقد» در شماره ۱۲۴ مجله، واکنش‌های متفاوتی را در میان فعالان و علاقه‌مندان عرصه قرآن مجید بر آنگیخت. در این شماره دو نمونه از این اظهار نظرها خدمت شما تقدیم می‌شود.

خواندن کتاب مقدس به کار گرفته می‌شود.  
در علم تجوید، بنا بر تعریفی که خواهیم اورد فقط تا حدی از نقطه نظرات بشری استفاده گردیده و اصل و اساس این علم، الهی و توقیفی است نه اصطلاحی و تتفیقی.

در مقاله مذکور غایت تجویید بهسازی و زیباسازی آهنگ و صوت گرفته شده و حال آن که این تمام غایت نیست! بلکه غایت علم تجویید صحیح خواندن کلام الله و پیغمبر هندی، افцион از معان و مقاهمه قرآن است.

۲) این شیوه (تجوید) پس از عهد نبوی و به موازات شکل‌گیری حوزه‌های قرآن و رقابت گسترده قاریان (مقربان بزرگ حرفه‌ای) به عنوان یک فن یا یک علم - با تسامح در تعییر - از بیرون بلاد اسلامی و عمده‌تاً از ایران و هندوستان به مهبط وحی و دیگر سرزمین‌های اسلام، والد شده است.

علت تسامح، در علم نامیدن تجویید چیست؟! در کدام مرجع تاریخی آمده که محل تدوین این علم و یا شکل‌گیری این علم و یا کتابت این علم در ایران و یا هندوستان بوده است؟!

همان طور که گذشت این علم به همراه نزول قرآن

نقد و بررسی نظریات دیگران از جمله فعالیت‌های سازنده‌ای است که همواره در طول تاریخ وجود داشته و خواهد داشت و انسان‌ها به واسطه نقد افکار و عقاید و مطالب و نظریاتشان است که می‌توانند معایب و نواقص علمی و معنوی خود را جبران نمایند چنانچه سعدی علیه الرحمة می‌گوید:

متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنچ صلاح  
نیزه د

مشو غره برو حسن گفتار خويش  
به تحسين نادان و پندار خويش<sup>۱</sup>  
از اين رو نگارنده اين سطور بر آن شد تا به نقدي  
مجمل از مقاله جتاب آقای همدي غفاری با عنوان  
تجويد در ترازوی نقد بيردازد. اميد آن که خداوند  
معتعال اين جانب و نيز نگارنده مقاله مذكور را از اتوار و  
برگات قرآنی بهره مند سازد.

در مقدمه مقاله تجویید در ترازوی نقد آورده شده است که:

۱) فن تجوید عبارت از مجموعه‌ای از نقطه‌نظرهای بشری (اعم از نظری و عملی) است که در جهت بهسازی و زیباسازی اهنگ و صوت در



در علم تجوید، بنا بر تعريفی که خواهیم اورد فقط تا حدی از نقطه نظرات بشری استفاده گردیده و اصل و اساس این علم، الپی و توقيفی است نه اصطلاحی و توفیقی.

ما اثبات خواهیم نمود که پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) توصیه های مکرری نسبت به این علم داشته اند و متأسفانه برخلاف آن تذکرات و توصیه ها، تجوید جایگاه اصلی خود را در مذهب ما پیدا نکرده است!

بنابراین قرآن برای همه قابل فهم است (نتیجه ۱) یا بنابراین نیاز به عربی خواندن قرآن نداریم چون قرآن برای همه نازل شده است (نتیجه ۲).

اگر این گونه است که قرآن برای همه قابل فهم است پس چرا خداوند پیامبر نازل کرد که تبیین ما ارسل نماید و یا چهارده مخصوص فرستاد تا تفسیر ما اجمل نمایند؟؟؟ و یا این که مگر ما در قرآن آیات محکمات و مشابهات نداریم و آیا همه می توانند این دو دسته آیه را بفهمند؟؟؟ اگر قرآن برای همه قابل فهم است پس چرا این قدر متelman کشورهای مختلف جهان سعی در ترجمه قرآن دارند، خوب بگوییم قرآن برای همه قابل فهم است دیگر چرا ما قرآن را ترجمه می کنیم؟؟؟

۶) در مكتب رسول خدا(ص) آنچه از یک مسلمان خواسته شده است خواندن قرآن است حال این قرآن خواندن با هر لهجه و گویشی که باشد فرقی نمی کند... در کجا آمده که هدف، خواندن قرآن است حال به هر لهجه که شد؟ نه خداوند قرآن را به زبان عربی نازل کرده و بر ماست که آن را به زبان عربی آن هم از نوع فصح بخوانیم، البته لا یکلف الله نفسا الا وسعاها نیز اینجا کاربرد دارد ولی انسانی که می تواند قرآن را به لهجه عربی بخواند این وظیفه اlost و استاد نگارنده نیز به منابع اهل تسنن می باشد که مورد وثاقت شیعه نیست.

۷) استاد دوم نگارنده استاد دوم را با ذکر یک حدیث از امام صادق(ع) رد نموده و حال آن که اولاً این حدیث یک روایت مرسله است و ثانیاً خود حدیث نیز دلالت بر روایت تجوید دارد چرا که حضرت می فرمایند که معنای "پتلونه حق تلاوتة" این است که آیات قرآن را به صورت ترتیل بخوانند و مسلم است که تعریف ما و علمای علم تجوید از ترتیل همان تعریف امام علی(ع) است که «الترتیل حفظ الوقوف و اداء الحروف» که علم تجوید در بردارنده شق دوم تعریف ترتیل می باشد.

ثالثاً اگر ماتتها آیه را مدنظر قرار دهیم باز نمی توانیم صراحتاً بگوییم که منظور از حق تلاوت صرفاً تدبیر در آیات است چرا که آیه مطلق بوده و می تواند رعایت احکام تجوید را نیز در بر بگیرد.

۸) استاد سوم اولاً این روایت در منابع اهل تسنن آمده و در مصادر

نازل گردیده و علمی است توقیفی بنابراین مهبط این علم جایی نیست مگر قلب رسول الله(ص) و جزیره العرب.

۳) تجوید برخلاف همه شهرت و گسترده‌گی امروزی اش هیچ گونه جایگاهی در الگوها و توصیه‌های اهل بیت(ع) ندارد.

ما اثبات خواهیم نمود که پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) توصیه‌های مکرری نسبت به این علم داشته‌اند و متأسفانه برخلاف آن تذکرات و توصیه‌ها، تجوید جایگاه اصلی خود را در مذهب ما پیدا نکرده است!

روایت عبدالله بن سلیمان (کافی، ج ۲، ص ۱۴۰) روایت ۱)، روایت ابا بصیر (کافی، ج ۲، ص ۱۸۰) روایت ۵)، و روایات تعریف قرآن و آیات تعریف قرآن نیز دلالت قطعی بر استفاده از قوانین تجوید دارند. البته باید مذکور شوم که در این روایات و یا آیات، لفظ تجوید صریحاً به کار نرفته ولی به فهم مفهوم و منطق این روایات تأکید بر استفاده از این علم نیز شده است.

۴) تجوید عبارت است از دادن حق حروف و مراعات صفات آنها.

این تعریف از تجوید تعریف ناقصی است! بهترین تعریفی که می توان از علم تجوید ارائه داد این است که: تجوید علمی است که به ما، ادا نمودن حروف از مخرجشان و رعایت حق و مستحق آنان را می آموزد. که نگارنده مقاله در تعریف خود ادای حروف از مخارج مخصوص به خودشان رالاحظاً ننموده و بیشترین اشکال این مقاله ناشی از عدم توجه به این قسمت از تعریف تجوید است.

۵) اگر قرآن عربی است، نباید فراموش شود که للناس نیز می باشد:

بله قرآن للناس و ذکری للبشر و ذکر للعالمین است اما این چه دخلی به عربی بودن قرآن دارد؟ کلاً صفراء و کبرای بحث متباین و نتیجه نیز نتیجه‌ای مغلطه‌آمیز است.

نگارنده مقاله اورده است:

قرآن برای همه مردم نازل شده است (صغراً). هر چیزی که برای همه مردم است باید برای همه قابل فهم باشد (کبراً).

دست می‌آید خود این معنای تجوید همان چیزی است که امروزه نیز علمای تجوید می‌کویند و در کتاب‌های خود به بررسی آن می‌پردازند و همگی از قواعد تجوید صرفاً مقصودشان بیان کامل و روشن کلمات است. بنابراین خود این گفته شما اثبات کننده این مدعاست که علم تجوید در عصر پیامبر نیز وجود داشته است.

(۱۰) اگر بر فرض روایت تجلیل پیامبر اکرم(ص) از قرائت ابن مسعود را درست بدانیم خود این روایت هم دال بر این گفته است که تشویق پیامبر بر قرائت ابن مسعود خود دلالت بر تفاوت قرائت‌ها دارد و بنابراین حتماً مشکلی در نحوه خواندن قرآن دیگران وجود داشته که پیامبر(ص) تشویق به این نحو خواندن قرآن نموده‌اند.

(۱۱) ترتیل در لغت به معنای تنسیق، ترتیب و نگارنده مقاله، خود در ادامه این استدلال جواب خود را به راحتی داده و ما روشن نمودیم که اصلاً هدف از تجوید همین است یعنی تأثیر و آرامش و عجله نکردن در خواندن قرآن یا حرف‌زدن به نحوی که حروف و کلمات مرتب و روشن و واضح تلفظ شوند.

(۱۲) در بیان حروف رعایت الزامی مخارج حروف شرط نیست.

اولاً در بیان حروف رعایت مخارج شرط اصلی است و امروزه عالمان علم فونتیک این را مستدلاً اثبات نموده‌اند شما اگر اراده کنید که حرف گ را تلفظ نمایید آیا می‌توانید آن حرف را از مخرجش ادا نکنید و مثلاً با لبان خود حرف گ را تلفظ نمایید؟؟؟

ثانیاً این که از پیامبر روایاتی مبنی بر رعایت مخارج حروف نیامده دلیل بر این نیست که یادگیری مخارج حروف مهم نیست چرا که اولاً رعایت مخارج حروف در میان اعراب بسیار راحت‌تر است و آنان مشافهه این عمل را انجام می‌دادند یعنی وقتی پیامبر(ص) برای آنان تلاوت می‌نمود و مستمعین برای کسان دیگر، این کار صورت می‌گرفت. ثانیاً دعوت به ترتیل خوانی و یا آیات و روایاتی که دلالت بر فصیح بودن زبان قرآن دارند خود مشوقان صریح و محکمی برای رعایت مخارج حروف هستند. □

پی‌نوشت:

۱- گلستان سعدی، باب ۸، حکایت ۲۹.

۲- ترتیل، کتاب العین، ج ۱، ص ۲۲۸.

روایی شیعه چنین روایت نیست. ثانیاً این روایت فاقد سند معتبر است. بنابراین استدلال به این روایت اساساً چه در مذهب اهل تسنن و چه در مذهب تشیع بی‌اساس است.

(۹) تجوید قرآن در آن زمان به معنای بیان کامل و روشن کلمات بوده است که به وسیله—

اولاً این نکته که: تجوید در زمان رسول الله(ص) به معنای بیان کامل و روشن کلمات بوده که به وسیله تلاوت آرام و شمرده و حرف‌به‌حرف قرآن به دست می‌آید حرفی کاملاً بی‌اساس استه چرا که با رجوع به منابعی چون آیات و روایات و کتب نظم و نثر آن زمان می‌توان فهمید که اصلاً کلمه تجوید به این معنا به کار نرفته است.

خلیل بن احمد فراهیدی: «جاد الشی یجود جوده و جاد الفرس یجود جوده فهو جواد و جاد الججاد من الناس یجود جواداً و قوم أجدود...».

ابن سکیت: «و نقول هنا شی» جید بین الجودة من اشياء جياد. و هنا رجل جواد بین الجود من قوم أجود و هنا فرس جواد بین الجودة والجودة من خيل جياد و يقال الجودة في كل صورة و هنا مطر جود بین الجود و قد جيدت الارض و يقال حاجت بنا سماء جود».

همان طور که از تعریف این دو لغوی نزدیک به عصر پیامبر بر می‌آید معنای اصل کلمه تجوید بخشن است و نه چیز دیگر.

ثانیاً آنچه که مسلم می‌نماید این است که کلمه تجوید به معنی اصطلاحی آن در صدر اسلام به کار برده نمی‌شده است و بنابر تحقیق دکتر غاثم قدوری قدیمی‌ترین مقتی که در آن کلمه تجوید در معنایی نزدیک به معنای اصطلاحی استفاده شده قول این مجاهد (ت ۲۲۴ ه) است دانی نوشته است:

حدثى الحسين بن شاكر المسما، قال: حدثنا احمد بن نصر، قال: سمعت ابن مجاهد يقول: اللحن فى القرآن لحنان: جلى و خفى، فالجلن لحن الاعراب والخفى ترك اعطاء الحرف حقه من تجويد لفظه (بيانات، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۱۵۹).

ثالثاً اگر بنابر گفته نگارنده این مقاله، تجوید در آن زمان به معنای بیان کامل و روشن کلمات بوده است که به وسیله تلاوت آرام و شمرده و حرف‌به‌حرف قرآن به

# پژوهش

نشریه خبری، تحلیلی و پژوهشی  
در زمینه فعالیت‌ها و مطالعات قرآنی

۱۳۹



دوره سوم • شماره بیانی ۱۱ • شماره ۲۰۰ • تیرماه ۱۴۰۰ • نیازمندی ماه ۱۴۰۱